

## سیاست و رهبری در اسلام

ناصر زاهدی

هیات علمی دانشگاه پیام نور، گروه علوم سیاسی، ایران

نام نویسنده مسئول:

ناصر زاهدی

### چکیده

این مقاله به مبحث رهبری و مدیریت اسلامی می پردازد. آرموزه های اسلامی مربوط به موضوع رهبری بر اساس روش کتابخانه ای در جمع آوری اطلاعات و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، جمع آوری گردیده است. اساساً سبک رهبری با نوع انسان شناسی ارتباط مستقیم دارد.

با توجه به آیات قران کریم، داشتن یک حکومت در جامعه یا مبنای متون الهی یک ضرورت انکار ناپذیر است زیرا اهداف بعثت انبیاء، لزوم نفی فساد از زمین، لزوم برقراری و استقرار عدل و دلائلی از این قبیل، اقتضای فطری انسان می باشد. در حکومت اسلامی وجود رهبری مدبر لازم است، برای جلوگیری از بیراهه رفتن جامعه، قدرتمند ساختن جامعه اسلامی و پیاده کردن عدالت، جلوگیری از زیاده خواهی های خواص و عوام، حفظ وحدت و برطرف کردن کمبودها و نواقص موجود در جامعه و همچنین رسیدن به کلیه اهداف عالیة اسلامی برای برپایی حکومت جهانی عدل و توحید است.

**کلمات کلیدی:** قران کریم، جامعه اسلامی، رهبری، مدیریت اسلامی

## مقدمه

در دنیای کنونی که از یک طرف جهان هر روز به سمت بی عدالتی اداری پیش می رود و از طرف دیگر مدیریت به فن پیچیده و تکنیکی تبدیل می گردد، لازم است فقه پویای اسلامی، مدیریت سالم و کانالیزه اسلامی را ارائه نماید. چون ما معتقد هستیم که اسلام در هیچ موردی بدون ارائه طریق نیست و در این مورد هم هدایتهای لازم را ارائه داده است. علاوه بر اینکه پیامبر (ص) و حضرت امیر المومنین علی (ع)، شیوه مدیریت کامل و عادلانه را در تئوری و عمل نشان دادند و در عصر حاضر امام خمینی (قدس سره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، مدیریت اسلامی را با عمل تفسیر کردند. بنابراین، وظیفه رهبر اسلامی است که از درون منابع اسلامی، شیوه مدیریت را به عنوان مسأله ای ضروری استخراج و بیان کنند و آن را به صورت کتابی مدون تنظیم نمایند و تدریس آن را در حوزه ها رایج می سازند. بنابراین، اسلامی مدیریتی را که ارائه می دهد، باید خالی از اسراف و تبذیر باشد و در فرهنگ مسلمانان هر عصر هم قابل اجرا باشد.

## تعریف رهبری

رهبری و مدیریت در عرف امروز، با همه توسعه و شمولی که پیدا کرده است، اگر بخواهیم مرادف و همانندی برای آنها در مصطلحات اسلامی پیدا کنیم، باید بگوییم: ارشاد و رشد یا هدایت و رشد، قدرت رهبری همانند قدرت بر هدایت و ارشاد است در اصطلاحات اسلامی.

## معنای مدیریت اسلامی

از جمع بندی و ترکیب معنای صحیح مدیریت اسلامی با اعتباری که مدیریت اسلامی را نه فقط به عنوان مکتب بلکه به عنوان علم می نگرند، می توان معنای صحیح تری برای مدیریت اسلامی مطرح کرد که کامل ترین آنها نیز می باشد. مدیریت اسلامی عبارت است از مدیریتی که بر اساس نظریه پردازی و تولید علم توسط دانشمند مسلمان که با تکیه بر مبانی اسلامی و مفروضات بنیادین آن با روش های مختلف اعم از تعبدی و عقلی (تجربی) به منظور ایجاد یا بهبود رفتارها، روش ها، فنون، ابزار، ساختارها، و الگوها برای رفع مسائل و مشکلات و تامین نیازهای مادی و معنوی و رشد و اعتلای جامعه اسلامی، شکل می گیرد.

## مدیریت اسلامی

ضرورت شناخت و عمل به مدیریت اسلامی، به معنای نظام و شیوه ای که اسلام برای مدیریت بر سازمان و جامعه مقرر نموده است، پرده برداشت و روشن ساخت که لازمه مسلمان بودن مدیر و اسلامی بودن جامعه، حاکم شدن چنین سبک و شیوه ای در مدیریت سازمان و جامعه می باشد. در اینجا اشاره به نادرست بودن دو تفسیر مطرح شده از مدیریت اسلامی را لازم می دانیم. برخی اشخاص گمان می برند که صرف مسلمان بودن حاکم و مدیر، برای اسلامی بودن حکومت و مدیریت کافی است. در حالی که حکومت و مدیریت اسلامی وقتی تحقق می یابد که هم حاکمان و مدیران اشخاص دین باور، پرهیزگار، خوش خلق، صالح العمل و با حسن نیتی باشند و هم شیوه اعمال حکومت و مدیریت آنان منطبق بر معیارها و الگوهای حکومتی و مدیریتی مقرر در شریعت باشد. همچنین برخی گمان می کنند که خردورزی رها از قید تفکر دینی، به هر نکته و روشی در زمینه شیوه اداره جامعه و سازمان دست یافت، صرف نظر از اینکه نکات و روش های مزبور با جهان بینی و انسان شناسی و با ضوابط و قواره های حکومتی و مدیریتی اسلام سازگار باشد یا خیر، چنانچه به کار بستن آن نکات و روش ها به اشخاص متدین و با تقوا سپرده شود، می توان آن را همان چیزی دانست که اسلام خواسته است و در نتیجه می توان به آن نام حکومت و مدیریت اسلامی اطلاق کرد. نادرستی و غیر قابل تأیید بودن این گمان نیز با توجه به مطالب فوق، آشکار است.

## مفهوم مدیریت و رهبری در اسلام با تکیه بر نهج البلاغه

وجه امتیاز مدیریت اسلامی از سایر انواع مدیریت ها در جهان اینست که ابعاد مادی و معنوی آن از یکدیگر متمایز نیست و مقصد و غایت این مدیریت، بازگشت به سوی خدا و سپردن بار امانت به پیشگاه اوست. در این مدیریت اعتقاد و اندیشه و شناخت، هم گام پیش میرود و عبودیت و اطاعت کورکورانه در روابط اجتماعی مردود و محکوم است.

هدف و محور اساسی در مدیریت اسلامی بالاصاله خدا و فضایی است که بدو ختم می شود. این تقوا و توجه مطلق به ذات باری تعالا، آثار و لوازمی دارد که در رابطه با تکالیف آدمی و تعهدات فردی و اجتماعی او، مجموعاً تمام مدیریت اسلامی را در بر می گیرد.

همانطور که در جهان بینی اسلامی فروع، از اصول مایه می گیرد و هر عرضی به ذاتی برمی گردد، هیچ وظیفه ای در این جهان بینی انجام نمی گیرد جز اینکه به خیر محض و جوهر تقوا نظر داشته باشد. در این صورت یعنی آنکه هر کاری را که انجام می دهیم برای خدا و مصلحت جامعه باشد. من و ما و تویی برمی خیزد، اختلاف و نفاق ریشه کن و خودنمایی ها و عوام فریبی ها فراموش می شود، انحصار طلبی، زورگویی، تجاوز به اموال، حقوق و ستیزه جویی جای خود را به مروت و جوان مردی، عدالت و پای مردی و وحدت و یک رنگی می دهد و سر انجام مدینه فاضله که وعده الهی است تحقق می یابد.

نکته مهم که در این مورد شایسته یادآوری است این که دقیق ترین نظام طرح ریزی، روابط انسانی، مسئولیت و اختیار، آیین رهبری و مدیریت، نحوی ارتباط و چگونگی برقراری شایسته ترین مراتب تفاهم و مساوات، خودشناسی و خودسازی و نحوی تنظیم برنامه معاش و معاد و عنایت خاصی که به سیر منطقی و نظام استدلالی مباحث مذکور مبذول گردیده است در این کتاب کریم مشهود است. نظر به اعتبار و کرامت آدمی در جهان هستی و نظر به عنایت اسلام به جنبه های مادی و معنوی زندگانی انسان و احترام به اشرافیت او بر سایر موجودات از نظر تفکر و داشتن مزیت استنتاج و سیر به سوی کمال و تهذیب، اصل مشورت و رایزنی در شؤون زندگانی انسان فرض و لازم شمرده شده، این اصل بر آدم تا خاتم و بر فرد فرد آحاد انسانی لازم الرعایه است.

### ویژگی های علم مدیریت اسلامی

ضرورت شناخت و عمل به مدیریت اسلامی، به معنای نظام و شیوه ای که اسلام برای مدیریت بر سازمان و جامعه مقرر نموده است، پرده برداشت و روشن ساخت که لازمه مسلمان بودن مدیر و اسلامی بودن جامعه، حاکم شدن چنین سبک و شیوه ای در مدیریت سازمان و جامعه میباید. در اینجا اشاره به نادرست بودن دو تفسیر مطرح شده از مدیریت اسلامی را لازم می دانیم. برخی اشخاص گمان می برند که صرف مسلمان بودن حاکم و مدیر، برای اسلامی بودن حکومت و مدیر کافی است. در حالی که حکومت و مدیریت اسلامی وقتی تحقق می یابد که هم حاکمان و مدیران اشخاص دین باور، پرهیزگار، خوش خلق، صالح العمل و با حسن نیتی باشند و هم شیوه اعمال حکومت و مدیریت آنان منطبق بر معیارها و الگوی حکومتی و مدیریتی مقرر در شریعت باشد. همچنین برخی گمان می کنند که خردورزی رها از قید تفکر دینی، به هر نکته و روشی در زمینه شیوه اداره جامعه و سازمان دست یافت، صرف نظر از اینکه نکات و روش های مزبور با جهان بینی و انسان شناسی و با ضوابط و قواره های حکومتی و مدیریتی اسلام سازگار باشد یا خیر، چنانچه به کار بستن آن نکات و روشها به اشخاص متدین و با تقوا سپرده شود، می توان آن را همان چیزی دانست که اسلام خواسته است و در نتیجه می توان به آن حکومت و مدیریت اسلامی اطلاق کرد. نادرستی و غیر قابل تأیید بودن این گمان نیز با توجه به مطالب فوق، آشکار است.

### ویژگی های عمومی مدیریت از نظر اسلام در قرآن

۱- ایمان به ارزشمندی کار

۲- احساس مسئولیت و امانتداری

۳- قاطعیت

۴- فروتنی و مردمی بودن

۵- پیشینه ی نیکو

۶- محکم کاری و نرمش

۷- بردباری و بلند نظری

۸- علم و آگاهی

۹- اطاعت از پیامبران بالاتر

۱۰- مشورت در کارها

۱۱- عدالت

۱۲- آگاهی از عملکرد افراد

## سبک رهبری

انسان، آفریده ای است مجهز به نیرو و اراده و اختیار که باید مسیر تکامل خود را در پرتوی راهنمایی های عقل و شرع انتخاب نماید بنابراین به کارگیری شیوه فشار، حصر و سلب آزادی، علاوه بر اینکه انگیزه کار و فعالیت را ضعیف می کند و قوه ابتکار و خلاقیت را نابود می سازد، نوعی ستیزه جویی با اراده حکیمانه الهی نیز تلقی می شود پس سیستم های مدیریت متمرکز که آزادی های مشروع و معقول را سلب می کند از یک سو منجر به رکود، عقب افتادگی و شکست می شود و از سوی دیگر مانع رشد شخصیت و شکوفایی و بالندگی استعدادها و توان های افراد می گردد.

البته باید یادآوری شود که عدم رعایت حدود عقل و شرع که تعیین کننده مصالح حقیقی افراد و جوامع است و تجویز هر گونه بی بندوباری به نام دفاع از آزادی هم نتایج وخیم دیگری را به بار می آورد.

## هدف گذاری

شرافت انسان به روح ملکوتی اوست و امتیاز او بر سایر حیوانات نیز مرهون ویژگی های انسانی است که خواستگاه ارزش های معنوی است و قوای نباتی و حیوانی زمینه ساز رشد انسانی و کمال معنوی و ابزاری برای رسیدن به سعادت واقعی است بنابراین در تعیین اهداف و خط مشی های سازمان یا جامعه باید اولویت و اصالت به ارزش های معنوی داده شود و هیچگاه نباید اصل را فدای فرع یا هدف را فدای وسیله ساخت مثلاً هر چند مدیریتی مربوط به یک سازمان اقتصادی باشد ولی اسلامی بودن آن اقتضاء می کند که در همان محدوده نیز اهداف معنوی رعایت شود و تامین منافع مادی، موجب پایمال کردن مصالح انسانی نشود بلکه باید سعی بر این باشد که منافع مادی در راستای مصالح انسانی و مقدمه ای برای توسعه و تعمیق بینش ها و ارزش های الهی قرار گیرد.

## اهمیت و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

قرآن کریم نیز، با بیان مسائل گوناگونی از قبیل اهداف بعثت انبیاء، لزوم نفی فساد از زمین، لزوم برقراری و استقرار عدل و ... به ضرورت و اهمیت تشکیل حکومت دینی در روی زمین می پردازد. حتی اهمیت به این موضوع بدان جا می رسد که در ازای انجام چند امر مهم، به مومنان وعده حکومت عدل الهی در آخرالزمان را توسط ولی خویش می دهد. خداوند متعال در این آیه، دآوری و حکومت بین مردم در امور اختلافی دینی و اجتماعی را غایت و هدف از انزال کتاب قرار داده است؛ اختلاف و منازعاتی که بدون وجود یک حاکم عادل و حکومت حل نخواهد شد. فخرالدین رازی از مفسرین گرانقدر اهل سنت در تفسیر این آیه نیز مسأله حکومت دینی را بر مبنای متون و نصوص الهی و وحیانی از اصول اساسی و غیر قابل انکار از منظر قرآن کریم می داند. این مسئله به اندازه ای دارای اهمیت است که خداوند در آیه ۶۷ مائده به پیامبر سه فرمان می دهد که خلافت و ولایت علی را به مسلمانان ابلاغ فرماید که در غیر این صورت ابلاغ رسالت نکرده است. به راستی کدام مسئله در اسلام چنین اهمیت دارد که اگر به آن اهتمام نشود مساوی با عدم ابلاغ رسالت باشد. البته در این آیه ضرورت تشکیل حکومت مفروض است و مصداق آیه تعیین حاکم بعد از پیامبر اعظم برای حکومت اسلامی می باشد.

## نقش رهبری در حکومت اسلامی

مهمترین نقش یک رهبر در حکومت اسلامی، این است که با تدبیر و اندیشه جامعه را از دست رفتن به بیراهه و انحراف، حفظ و نگهداری کند. ممکن است یک حکومت نوپا و نو بنیاد، خطرات بسیار جدی و جاده های انحرافی زیادی را در راهش داشته باشد که بدون وجود یک رهبر، نتواند از آن ها عبور کند.

الگوگیری از حکومت پیامبر اکرم که بنیان گذار حکومت الهی در جزیره العرب بودند بسیار مهم و حائز اهمیت است که حضرت چگونه جلو دست درازی به جامعه اسلامی را در آن زمان گرفتند و اینکه با تدبیر و درایت خویش، این حرکت نورانی را از پرتگاههای انحرافات جاهلی حفظ کردند. بیراهه رفتن یک حکومت، همان ناشناس بودن آن و به تبع ناشناسی، به فراموشی سپردن آن حکومت و جامعه می باشد. همین که پیامبر اکرم ۳ حکومت اسلامی را بنیان کردند، یک سری خط مشی هایی را خداوند فراروی آن حضرت قرار دادند تا بتوانند با این خط مشی الهی، حرکت کنند اولین کاری که آن حضرت انجام دادند و بسیار نیز حایز اهمیت هست، شناساندن و عرضه کردن آن حکومت به بلاد اطراف در انحاء عالم بود.

برای این که حرکت انقلابی اسلام در آن زمان، به فراموشی سپرده نشود، در قلب حکومت جاهلی و شرک، پایه های حکومت اسلامی را تشکیل دادند و برای پادشاهان بزرگ دنیا سفیر فرستادند و پیام توحیدی خود را برای آنان بازگو کردند و به آنان ابلاغ کردند که

فرستاده خداست و برای دگرگون کردن جهان از شرک و بت پرستی، به توحید و عدالت خواهی برنامه دارند. این حرکات و تاکتیک های پیامبر اسلام در آن زمان، الگویی نمونه برای رهبران امروز اسلامی است که با استفاده از آن ها بتوانند در آغاز حکومت اسلامی، جامعه های اسلامی را مدیریت کنند تا از مصادره شدن و فراموش شدن و دیگر خطرات انحرافی مصون بمانند.

### سیره نظری حضرت علی (ع) در رهبری

سیره نظری حضرت علی (ع) در رهبری، حاوی دستور العمل هایی مبتنی ب انسان شناسی قرآن است. آن حضرت به یکی از کارگزاران خود چنین فرمان میدهد: شدت عمل را با گونه ای از نرمش مخلوط کن و تا آنجا که رفق و مدارا کار سازی مدارا کن و در جایی که چاره ای جز شدت عمل نداری، تصمیم به شدت عمل بگیر. حضرت در این عبارت، تکلیف کار گذاران خود را در تعامل با زیر دستان مشخص می سازد و برای نحوه رهبری او، استفاده از دو مقوله "نرمش" و "شدت عمل" را توصیه می کند.

### ویژگی های رهبری امام خمینی

- ۱- حقانیت منطقی بودن مواضع
- ۲- صداقت و خلوص سیاسی
- ۳- قاطعیت و استواری در رفتار سیاسی
- ۴- ارائه طرح برای آینده
- ۵- شیوه رهبری حضرت امام خمینی (ره)
- ۶- موفقیت تدابیر امام (ره) در صحنه عمل

### نتیجه گیری

می توانیم بگوییم که فلسفه مدیریت ، نظیر فلسفه نبوت است، به این گونه که خداوند علاوه بر عقل و خردی که به انسان داده است ، جهت خوب زندگی کردن انسان و به کمال رساندن او را هم مورد توجه قرار داده است و اگر فلسفه نبوت ، رشد دادن جامعه و انذار و تبشیر افراد آن باشد، مدیریت نیز بخشی از آن است ، چون مدیریت از نظر فلسفه وجودی ، ماهیت امامت را - که راه کار انبیاست - در بر دارد. اصل مدیریت در قانون آفرینش ، از اصول مسلم است، چرا که عالم با طرح مدیریت حکیمانه ای ساخته شده است. آنچه از امور اختیاری و قراردادی است، این خواهد بود که رهبر باید در کجای تشکیلات قرار گیرد.

رهبر خوب، یعنی مصالح جامعه را به طور پیوسته و به موقع به جامعه گوشزد و تکالیف روزانه آنها را بیان کند و آنها را با کمترین زمان و با اندک هزینه ای، به خواسته خودشان برساند و در امور اجتماعی که با تعارض و تضاد هایی توأم است و با وکالت و قبول مسئولیت این وظایف را انجام دهند. بنابراین رهبر جامعه ، برترین مردمند و در امور معنوی هم سعادتمندترین افراد جامعه خواهند بود.

خلاصه اینکه فلسفه رهبری با ضرورت رهبری معنا می دهد ، همانطور که ضرورت رهبری امری است بدیهی ، فلسفه آن هم غیر قابل انفکاک از آن است.

این دیدگاه در فلسفه مدیریت مبتنی بر بینش توحیدی است. اما فلسفه مدیریت در بینش مادی ، صرفاً انگیزه ها و مقاصد اقتصادی زندگی است و همین خصیصه است که موجب تمایز مدیریت اسلامی از غیر اسلامی می گردد.

## منابع و مراجع

- [۱] طیب ، مهدی ، مدیریت اسلامی، انتشارات سفینه، تهران ۱۳۷۹
- [۲] رشید پور، عبدالمجید، مبانی مدیریت اسلامی، ناشر موسسه دین و دانش قم ۱۳۶۵
- [۳] عبدالباسط ، سعدالله، حکومت اسلامی و با تپه های حکمرانی در آن از نگاه قرآن کریم، بهار ۱۳۹۴ .
- [۴] پیروز، علی آقا، رهبری در مدیریت اسلامی ، اسلام و پژوهش های مدیریتی سال اول زمستان ۱۳۹۰
- [۵] ماحوزی ، مهدی، مفهوم مدیریت و رهبری در اسلام با تکیه بر نهج البلاغه
- [۶] ماحوزی، مهدی، علی و آیین رهبری ، انتشارات پیک دانش ، ۱۳۶۳ شمعی.
- [۷] شهیدی، جعفر، شرح نهج البلاغه مولای متقیان علی (ع) ، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ شمعی.
- [۸] مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه ، تهران، صدرا، ۱۳۷۶.
- [۹] امام خمینی(ره)، شرح حدیث جنود و عقل و جهل، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- [۱۰] جعفری ، محمد تقی، حرکت و تحول از دیدگاه قرآن ، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۶.
- [۱۱] عابدی جعفری، حسن، مقاله پدیده رهبری، فصلنامه مصباح، شماره ۳۴.
- [۱۲] قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- [۱۳] قرائتی ، محسن، تفسیر نور ، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- [۱۴] جوادی آملی ، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، تهران ، مرکز فرهنگی رجا، ۱۳۷۲.
- [۱۵] نبوی ، محمد حسن ، زنجان، واحد جامع تبیان، ۱۳۹۱.